



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۴۰۴، دوره ۸، شماره ۳، صص ۵۶۸-۵۴۲
شناسایی مولفه‌های توسعه‌ی اجتماعی - امنیتی استان سیستان و بلوچستان
(با تاکید بر دیدگاه کارشناسان)

حسین رضایی^۱، افسانه زمانی مقدم^{۲*}، غلامرضا معمارزاده طهران^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گرایش تطبیق و توسعه، گروه مدیریت دولتی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

۲. دانشیارگروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: a.zanimoghdam@srbiau.ac.ir

۳. استادیارگروه مدیریت، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

چکیده

استان سیستان و بلوچستان از اهمیت ویژه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردار است زیرا این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی، تنوع قومی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی، با چالش‌های امنیتی و توسعه‌ای خاصی مواجه است. نبود درک دقیق و جامع از عوامل مؤثر بر توسعه اجتماعی و امنیتی می‌تواند مانع از برنامه‌ریزی‌های هدفمند و اجرای سیاست‌های بهبود وضعیت اجتماعی و امنیتی استان شود. بنابراین، این تحقیق با هدف شناسایی مولفه‌های توسعه‌ی اجتماعی - امنیتی استان سیستان و بلوچستان با تاکید بر دیدگاه کارشناسان انجام شد. روش: روش تحقیق کیفی از نوع روش دلفی است. جامعه پژوهش مدیران و متخصصان سازمان‌های دولتی، اساتید متخصص در حوزه امنیت، اساتید متخصص در حوزه مسائل اجتماعی، که به صورت هدفمند ۱۵ نفر در انتخاب شدند. ابزار تحقیق مصاحبه و سوالات نیمه ساختار یافته، تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده به شیوه تحلیل کیفی و رتبه‌بندی نظرات و جمع‌بندی دیدگاه‌ها از طریق حذف نظرات مخالف و تقویت نظرات موافق طی سه مرحله مصاحبه بوده است.

یافته‌ها: نتایج نشان داد هفت مولفه امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت نظامی، توسعه عدالت، توسعه کیفیت زندگی، توسعه اخلاق اجتماعی و توسعه امنیت سیاسی، در تبیین توسعه اجتماعی - امنیتی استان سیستان و بلوچستان نقش دارند. نتیجه‌گیری: این پژوهش با شناسایی و اولویت‌بندی مولفه‌های کلیدی توسعه امنیتی و توسعه‌ای به عنوان پایه‌های اصلی شکوفایی استان سیستان و بلوچستان، زمینه‌های علمی و عملی ارزشمندی برای سیاست‌گذاران، مدیران و پژوهشگران فراهم کرده است و مسیر جدیدی برای تحقق توسعه پایدار و امنیتی این منطقه گشوده است.

واژگان کلیدی: برنامه‌ی توسعه، توسعه‌ی اجتماعی، توسعه امنیتی، استان سیستان و بلوچستان

توسعه‌ی اجتماعی - امنیتی به عنوان یک فرآیند چندوجهی و پیچیده، ابعاد مختلفی از زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی را در خود جای می‌دهد که بهبود مستمر آن نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی و ثبات منطقه‌ای دارد. استان سیستان و بلوچستان به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، تنوع قومی و فرهنگی، و شرایط اقتصادی متفاوت، از جمله مناطق حساس و استراتژیک کشور است که تحقق توسعه‌ی اجتماعی - امنیتی در آن نیازمند بررسی دقیق ابعاد و عوامل موثر می‌باشد. شناخت مولفه‌ها و شاخص‌هایی که می‌توانند در ارتقای توسعه این استان تاثیرگذار باشند، هم در سطح اجتماعی و فرهنگی و هم در حوزه امنیتی، زمینه‌ساز برنامه‌ریزی‌های هدفمند و سیاست‌گذاری‌های کارآمد است. این مقاله با هدف شناسایی و تحلیل این ابعاد و مؤلفه‌ها، ابزاری کاربردی برای تصمیم‌گیران و نهادهای اجرایی فراهم می‌آورد تا ضمن درک بهتر وضعیت موجود، راهکارهایی عملی برای تحقق توسعه پایدار در سیستان و بلوچستان ارائه شود. در این راستا، رویکردی جامع و ترکیبی به بررسی شاخص‌های کلیدی توسعه اجتماعی و امنیتی منتخب این استان مورد توجه قرار گرفته است. از این رو محقق در این پژوهش به دنبال ارائه مدل توسعه اجتماعی و امنیتی در استان سیستان و بلوچستان است چراکه از طرفی توسعه اجتماعی مفهومی است که با چگونگی شیوه زندگی افراد در ارتباط است، سبب بالابردن سطح زندگی افراد جامعه می‌شود و در زمینه‌های مسکن، اشتغال، آموزش و اوقات فراغت در ارتباط می‌باشد. توسعه اجتماعی گامی است در جهت ایجاد امنیت در جامعه در بین شهروندان که موجب ایجاد تعادل و توازن در جامعه می‌شود. (زیاری و دیگری، ۱۳۹۷).

همچنین امنیت بر پایه‌ی اصول متعدد در یک جامعه‌ی پایدار و استمرار می‌یابد. در نگرش‌های جدید به مقوله‌ی امنیت اغلب کاربرد نیروهای نظامی و تهدید محوری مورد توجه نیست بلکه امروزه نارضایتی عمومی و کاهش انسجام ملی و سرمایه اجتماعی مورد تهدید در نظر گرفته می‌شود و این عوامل می‌تواند به نوبه‌ی خود یکپارچگی یا استقلال سیاسی یک کشور را به خطر و تزلزل بیاندازد. (مصلی نژاد، ۱۳۹۶). در معادله‌ی امنیت هرکشوری مولفه‌ها و متغیرهای زیادی اثرگذار است که برخی منشا داخلی و برخی نیز منشا خارجی دارند. در حال حاضر و در عصر جهانی شدن بسیاری از شرایط بر دولت‌ها تحمیل می‌شوند و چالش‌هایی امنیتی شکل معماگونه‌ای به خود گرفته

اند به طوری که برخلاف گذشته اکنون تهدیدات غیر مستقیم، غیر سنتی و غیر نظامی از تهدیدات مستقیم و نظامی اهمیت بیشتری یافته اند. لذا تهدیدات را باید در امور مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورها جستجو نمود و نسبت به آن ها چاره اندیشی کرد (یاسوری، ۱۳۹۸).

از این رو توسعه ی اجتماعی و امنیت پایدار در مناطق مرزی لازم و ملزوم یکدیگر است. همچنین شدت عدم تعادل منطقه ای میان مناطق مرزی و مناطق داخلی در ایران بر توسعه ی ملی تاثیرگذار است. به عبارت دیگر اگر چه توسعه نیافتگی در مناطق مرزی که منجر به ناامنی می شود اثرات خود را بر توسعه نیافتگی و ناامنی در کل کشور می گذارد (عندلیب، ۱۳۹۴). این تاثیرات متقابل توسعه و امنیت به صورت زنجیره ای به یکدیگر مرتبط و مجموعه ای از کنش و واکنش هایی را ایجاد می کند که جوهره ی توسعه ی پایدار مناطق مرزی را تحت تاثیر خود قرار می دهد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۴).

. بدین ترتیب؛ هدف تحقیق حاضر، شناسایی ابعاد، مولفه ها و شاخص هایی موثر بر توسعه ی اجتماعی - امنیتی استان سیستان و بلوچستان است.

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

- مفهوم توسعه

به زعم صاحب نظران، اکنون مفهوم توسعه گسترده و پیچیده شده است، البته تعریفی که توافق عمومی در مورد آن وجود داشته باشد ارائه نشده است (کلانتری، ۱۳۹۸: ۲۵). معنای توسعه تغییر و تحول است. تغییراتی که در شکل و فرم و محتوای زندگی بشر در طول تاریخ به وقوع پیوسته است را توسعه می نامند. (آسایش، ۱۳۹۹: ۱۶).

بنابراین معانی و تعابیر مختلفی از واژه ی توسعه وجود دارد که به مفاهیمی مانند افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی، ارتقاء سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات بیکاری و تورم، تامین نیازهای اقتصادی - اجتماعی، برخورداری از آموزش، فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه های مختلف اطلاق می شود. (تودارو، ۱۳۹۸: ۲۳).

بنظر میسرآ توسعه عبارتست از یک فعالیت انسانی که جهت گیری فرهنگی دارد و نمایانگر یک تغییر و تحول ارگانیک است و باید با شرایط مشخص هر کشور و ارزش های فرهنگی هر جامعه تطابق داشته باشد (بروس و هاروی، ۱۳۹۲).

گونار میردال: توسعه، حرکت یک سیستم اجتماعی یکپارچه است که در این راستا نه تنها تولید، توزیع محصولات و حجم تولید مدنظر است بلکه تغییرات سطح زندگی، نهادهای اجتماعی، نقطه نظرها و سیاست ها نیز مورد توجه است (میردال، ۲۰۱۴).

- توسعه پایدار

براساس گزارش برانت لند توسعه ی پایدار عبارتست از توسعه ای که نیازهای کنونی جهان را تامین کند بدون آنکه توانایی نسل های آتی را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند. و این که توسعه ی پایدار رابطه ی متقابل انسان ها و طبیعت در سراسر جهان است. (یونسکو، ۱۹۷۷)

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه نیز آن را اینگونه تعریف می کند: توسعه ی پایدار فرآیند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه گذاری ها، سمت گیری توسعه ی تکنولوژی و تغییر نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد (همان).

اینیاسی زاک بر این باور است که دستور کار همواره یکی است. صرفه جویی در منابع کمیاب و تدبیر بسیار در استفاده از منابع فراوان (زاکس، ۱۳۷۳).

- برنامه ریزی توسعه

پیتر هال برنامه ریزی را دستیابی آگاهانه به هدفی تعریف می کند که از طریق تنظیم اقدامات متوالی منظم صورت می گیرد (هال، ۱۹۷۴: ۴). چند دهه ای است که مفهوم توسعه با مفهوم برنامه ریزی پیوند تنگاتنگی پیدا کرده است (طالب و عنبری، ۱۳۹۵: ۱۸۳) و به عنوان هدف کلان برنامه ریزی در حوزه عمومی در دنیا پذیرفته شده است (صرافی،

¹ Myrdal

۱۳۹۷: ۲). درک معنای توسعه و فاصله وضع موجود با وضع مطلوب، شالوده اقدامات از پیش اندیشیده ای در عرصه اجتماعی را با عنوان «برنامه ریزی توسعه» پایه ریزی کرد (صرافی، ۱۳۹۹: ۹). برای اولین بار در سال ۱۹۱۷ برنامه ریز توسعه ملی توسط دولت شوروی سابق با انگاره اقتصاد با برنامه به کار گرفته شد. کشورهای غربی دارای اقتصاد بازار نیز با بروز بحران جهانی و رکود بزرگ ناشی از آن، برنامه ریزی مرکزی را به کار گرفتند.

- شاخص توسعه و سنجش توسعه یافتگی

توجه به نابرابری های منطقه ای در قالب شاخص ها، از جمله مهمترین ابزارهای برنامه ریزی به شمار می رود که از طریق آن برنامه ریزان قادر به اصلاح روند عملکردها و ارزشیابی فرآیند و نتایج برنامه ریزی خود در بستر ملی، منطقه ای سرزمین خود خواهند بود. این روند در صورتی که به صورت منطقی و علمی مورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد می تواند ابعاد مختلف برنامه ریزی را در بخش های مختلف به شکل بارز نمایان ساخته و مناطق برنامه ریزی را در فرآیند سلسله مراتبی و در قالب واحدهای همگن مطرح نماید (یاسوری، ۱۳۹۸: ۲۰۳).

سنجش توسعه یافتگی در برنامه ریزی منطقه ای به فرایندی اطلاق میشود که در طی آن با استفاده از آمار و ارقام و شاخص های متعدد در قالب روش ها و فنون تحلیلی میتوان میزان توسعه یافتگی نواحی آن منطقه را تعیین نمود.

- توسعه یکپارچه منطقه ای

توسعه یکپارچه منطقه ای هرگز اتفاق نمی افتد مگر آنکه بین سرمایه و نیروی کار مناطق، تعیین مرز شفاف انجام پذیرد و مناطق عقب مانده از طریق سرمایه گذاری و حمایت های مالی ارتقای توسعه بیابند (Fedyuk & Bychenko, 2009:50) و شکاف و نابرابری بین این مناطق و مناطق توسعه یافته کاهش یابد. به عبارت دیگر برای رسیدن به توسعه پایدار منطقه ای باید در جهت کاهش نابرابری های منطقه ای گام برداشت و امکان رشد برابر را در مناطق به وسیله فراهم کردن تسهیلات و خدمات عمومی و اجتماعی برای مردم ایجاد نمود (مصطفوی و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین یکی از چالش های مسیر رسیدن به تعادل منطقه ای وجود نابرابری های اجتماعی - اقتصادی در درون و بین

مناطق می باشد. امروزه در میان افزایش نگرانی درباره نابرابری، ابعاد اجتماعی-اقتصادی نابرابری توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. (Kanbur and Venables, 2005, 2)

وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه های مهم توسعه نیافتگی است. زیرا در حقیقت کشورهای توسعه نیافته محسوب می شوند که علاوه بر اینکه از شاخص های اقتصادی و اجتماعی بالا برخوردارند، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است. اما در کشورهای توسعه نیافته نه تنها مقادیر این شاخص ها پایین است بلکه توزیع آن نیز بسیار ناعادلانه است (مصطفی نژاد، ۱۳۹۴: ۵۶) عدم تعادل و توازن مناطق گوناگون در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه ای می شود که خود مانعی در مسیر توسعه است. بر این اساس، مطالعه نابرابری های منطقه ای یکی از اقدامات ضروری و پایه ای برای برنامه ریزی و اصلاحات در جهت تامین رشد اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی است که می تواند تخصیص منابع را با هدف رفع نابرابری های منطقه ای، تحت تاثیر قرار دهد (آهنگری و سعادت مهر، ۱۳۹۶: ۱۵۹). در این راستا، شناخت نابرابری فضایی، به عنوان چالشی فراروی توسعه همه جانبه، بسیار موثر است. همان گونه که قبلاً ذکر گردید؛ نابرابری فضایی واژه ای مرکب از نابرابری و فضا است و نوعی از نابرابری های اجتماعی را ترسیم می کند که از بسیاری جهات با انواع دیگر نابرابری های اجتماعی تفاوت دارد؛ هر چند در برخی ابعاد می توان همپوشی هایی نیز بین آن ها مشاهده کرد (Nel and Rogerson, 2009, 141).

در جمع بندی، می توان نابرابری فضایی را توزیع نابرابر فرصت ها و مواضع اجتماعی در فضا دانست. این نوع نابرابری که شکل بارز آن نابرابری منطقه ای است، در هر جامعه ای می تواند جلوه های مختلفی به خود بگیرد (دهقانیان، ۱۴۰۰: ۱۲۹). این مقوله مشخصه مهم بسیاری از کشورهای در حال توسعه است که به نظر می رسد با رشد و توسعه اقتصادی افزایش می یابد. نابرابری های فضایی در درآمد، سلامت، آموزش و فقر نشان دهنده چالش های جدی سیاسی و اقتصادی برای دولت های بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. (kim, 2008, v)

- عوامل ایجاد نابرابری

این پرسش که چرا واحدهای جغرافیایی مختلف در داخل یک کشور در سطوح مختلف توسعه به سر می برند به سادگی پاسخ داده نمی شود. چندین دلیل مشترک برای نابرابری اجتماعی-اقتصادی در مقیاس ملی وجود دارد که مواردی چون تاریخ، منابع طبیعی، سرمایه انسانی، اقتصاد سیاسی محلی و فرهنگ را در برمی گیرد (Lall and Chakravorty, 2005, 47). به نظر می رسد که بر روی دلایل نابرابری اجتماعی-اقتصادی و فهرستی از ابزارهای مؤثر که می تواند نابرابری اجتماعی-اقتصادی را کاهش یا افزایش دهد، اجماع و توافق کلی وجود ندارد (kim, 2008). (۷) برخی از صاحب نظران، نابرابری را به طور سیستمی تعریف می کنند و مجموعه ای از عوامل طبیعی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بین المللی و غیر آن را در تکوین، تشدید و یا کاهش نابرابری منطقه ای مؤثر می دانند (عظیمی، ۱۳۹۴: ۶۶). در پاسخ به این سؤال که چرا نابرابری همچنان تداوم دارد، عده ای دو عامل اصلی و مبنایی را در ایجاد فضاهای ناموزون توسعه در مقیاس یک کشور و منطقه دخیل می دانند. این دو عامل عبارتند از: منشأ جغرافیایی قدرت و جغرافیایی سود. منشأ جغرافیایی قدرت: یکی از وجوه قدرت در حاکمیت ملی و منطقه ای منشأ جغرافیایی آن است. متأسفانه میزان نفوذ این قدرت عموماً به زیان مناطق کم توسعه در مقیاس ملی و نواحی کم توسعه در مقیاس منطقه ای است. زیرا نواحی فقیر اغلب از لحاظ سیاسی نیز در حاکمیت ضعیف هستند. از این رو، دولت ها می توانند نقش بسزایی را در زمینه افزایش یا کاهش نابرابری منطقه ای بازی کنند. دولت های ملی نقش حیاتی در توسعه اقتصادی ناحیه از طریق سرمایه گذاری مستقیم، تخصیص منابع، مالیات و سیاست هایی در زمینه تجارت و سرمایه گذاری خارجی ایفا می کنند (عظیمی، ۱۳۹۴: ۶۶).

منشأ جغرافیایی سود: در تجزیه و تحلیل علل و عوامل نابرابری مناطق، علاوه بر نقش مؤثر دولت، نباید از عوامل طبیعی و تفاوت های سرزمینی، اقتصاد سیاسی، انقلاب صنعتی، استثمار، جهانی شدن و شرکت های فراملیتی و غیر آن غافل ماند. بررسی شاخص های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی، یکی از مؤلفه های مهم پدیده توسعه یافتگی است (عظیمی، ۱۳۹۴: ۶۶). همچنین تمرکز زیرساخت های اقتصادی و سرمایه گذاری در مکان های خاص موجب می شود تا در بلندمدت نابرابری فضایی شدیدی میان مناطق کشور پدید آید (یاسوری، ۱۳۹۸: ۲۰۳). تفاوت

های زیست محیطی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در بین مناطق که در واقع این تفاوت ها موجب می شوند که برخی فضاها با آغوش بازتری پذیرای روابط سرمایه داری باشند (جغرافیای ناموزون انباشت).

در یک دسته بندی دیگر و جامع تر می توان علل نابرابری اجتماعی-اقتصادی را به ۴ دسته تقسیم نمود که عبارتند از:

- عوامل سنتی : که منجر به نابرابری اجتماعی-اقتصادی شده و آن ها را تقویت می کنند. در میان این عوامل می توان به برخورداری هر منطقه از منابع طبیعی، نقش آن به عنوان مقصدی برای مهاجرت و نیروهای قوی تمرکز که با تقویت مزایای منطقه ای باعث گرایش فعالیت اقتصادی به خوشه بندی می شوند، اشاره نمود (داداش پور و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

- نابرابری منطقه ای

(Kanbur and Venables, 2005:6) برای مثال، نابرابری منطقه ای در حال رشد کشور چین را ، در فاصله زمانی ۱۹۷۸ تا شروع اصلاحات اقتصادی با ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و باز شدن آن به تجارت بین المللی مرتبط می دانند. می توان اینگونه استدلال کرد که پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی (WTO) ورود این کشور را به اقتصاد جهانی سرعت بخشید که این مورد نگرانی ها را درباره تاثیر جهانی سازی بر روی نابرابری درآمدی بین منطقه ای جدی تر می کند. (Wan et al. 2004:1)

- زیرساختارهای عمومی: دلیل سوم، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، با نقش زیرساختارهای عمومی به عنوان متغیر اساسی در فرایندهای توسعه مرتبط است. بر اساس تحقیقات بین المللی UNU-WIDER می توان نتیجه گرفت که یک عامل تعیین کننده کلیدی زندگی خوب خانوارها در یک منطقه، علاوه بر ویژگی های معین خانوار، کمیت و کیفیت زیرساختارها در آن منطقه است. چندین مطالعه تجربی از اهمیت تدارک زیرساختار عمومی به عنوان یک فاکتور حیاتی در ایجاد و تقویت نابرابری فضایی حمایت می کنند. (Nel and Rogerson, 2009, 149)

- واگذاری و تمرکززدایی: مجموعه چهارم از عوامل مرتبط با گسترش نابرابری های فضایی، به ویژه در کشورهای توسعه یافته که البته به شدت مرتبط با تجربه جهان در حال توسعه نیز هست، نگرانی های روند جهانی به سوی «واگذاری و تمرکززدایی» بیشتر است. جهانی سازی و انتقال گسترده قدرت رو به پایین از دولت مرکزی به مناطق و واحدهای ایالتی یک عامل اساسی در سطوح فزاینده نابرابری های فضایی است. موضوع بحث این است که واگذاری می تواند نقشی در امکان تشدید نابرابری ها ایفا نماید. شواهدی برای ارتباط میان واگذاری، تمرکززدایی قدرت و رشد نابرابری های منطقه ای در مقطعی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نمایان می شود. در ابتدا، این مساله روشن می شود که در طول ۲۰ سال گذشته، یک روند واگذاری جهان را زیر و رو کرده است که هم کشورهای در حال توسعه و هم توسعه یافته را متأثر می سازد (Rodriguez-Pose and Gill, 2003, 29). نتیجه این روند تنوع در وسعت بهره مندی مناطق مختلف از مزایای قدرت ها و مسئولیت های جدید است. مراکز ضعیف که با کمبود نیروی ماهر و منابع قوی مواجه هستند در مورد ریسک شکست آسیب پذیر هستند. استوک مایر به حدی پیش می رود که می نویسد همراهی کردن واگذاری در بسیاری موارد تمرکزگرایی فقر است (Nel and Rogerson, 2009).

(149).



شکل (۱): عوامل ایجاد نابرابری فضایی

ماخذ: عظیمی، ۱۳۹۴: ۷۰

- داخلی

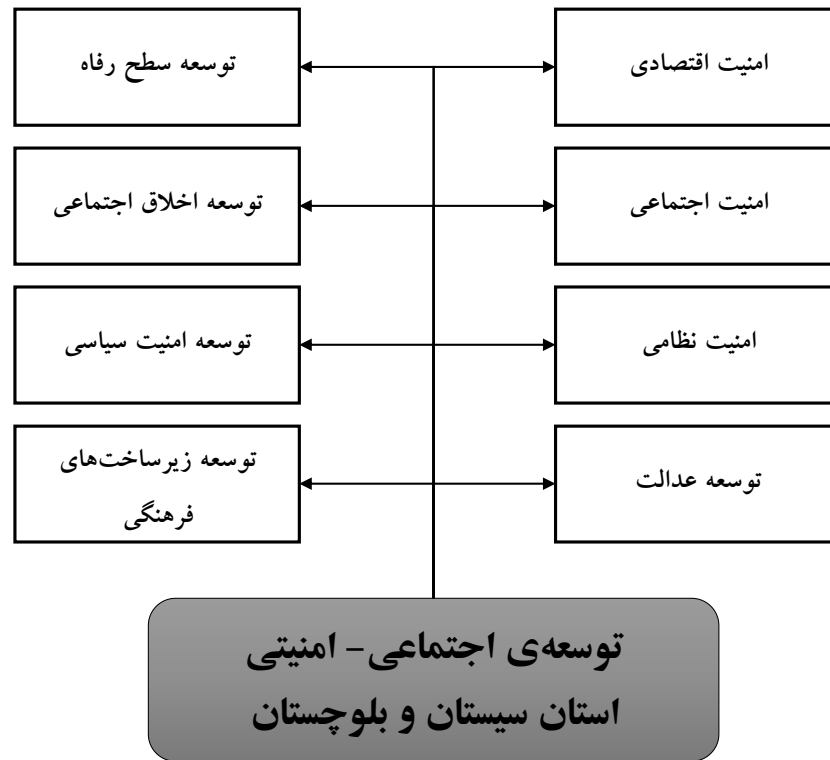
دانه کار و همکاران (۱۴۰۲) نقشه سازی شروط توسعه در طبقات حفاظتی منطقه ساحلی استان سیستان و بلوچستان را بررسی کردند و افزودند: در این مطالعه که بخشی از برنامه مدیریت محیط زیست منطقه ساحلی استان سیستان و بلوچستان در طرح تدقیق مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی است، اقدام به تدوین شروط توسعه در طبقات حفاظتی منطقه ساحلی این استان شد. با توجه به ماهیت موضوع، روش توصیفی-استقرایی براساس مراجعه به اسناد مرتبط با حفاظت محیط زیست به عنوان روش کار انتخاب شد. شروط توسعه برای پهنه های حفاظتی در ناحیه ساحلی، ناحیه کرانه ای و آب های ساحلی و فراساحلی تدوین و با تخصیص کد ویژه به هر یک از شروط، نقشه سازی مکانی کدهای تخصیص یافته در نرم افزار ArcGIS انجام شد. نتایج نشان داد، مناطقی که در طبقه ۱ حفاظت قرار دارند، به سبب اهمیت بوم شناختی و حساسیت های محیط زیستی، نیازمند حفاظت اکولوژیک هستند و توسعه در این پهنه ها مشروط به موافقت سازمان حفاظت محیط زیست است. طبقات دارای توان حفاظت درجه ۲ در فرآیند توان سنجی غیرقابل توسعه اعلام نمی شوند و با رعایت ملاحظات مهندسی و راهکارهای فنی و مدیریتی، در چارچوب توان اکولوژیک توسعه پذیر هستند. پهنه های دارای توان درجه ۳ که برای بازسازی و احیاء مد نظر قرار گرفته اند، در صورت تهیه طرح بازسازی و احیاء و در چارچوب توان اکولوژیک، توسعه پذیر هستند. نتایج این مطالعه به توسعه متعادل و متوازن مناطق ساحلی دریای عمان برای ایجاد ارزش افزوده پایدار کمک خواهد کرد. همچنین در تهیه برنامه های موضوعی سه پهنه منطقه ساحلی (ناحیه ساحلی، ناحیه کرانه ای، ناحیه آب های ساحلی و فراساحلی) قابل استفاده خواهد بود.

دنيس رييو، آجا موري، لیلی شاناهان، مایکل جی شاناهان و مانوئل آیزنر (۲۰۲۲) نتایج پژوهش خود تحت عنوان: پروژه زوریخ در مورد توسعه اجتماعی از کودکی تا بزرگسالی؛ را چنین بیان کردند: پروژه زوریخ در مورد توسعه اجتماعی از کودکی تا بزرگسالی (z-proso) در سال ۲۰۰۴ در پاسخ به نیاز به یک پایگاه شواهد بهتر برای حمایت از

چارچوب نظری و مدل مفهومی

همانطور که پیشتر بررسی شد، تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که توسعه اجتماعی-امنیتی در استان سیستان و بلوچستان تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و زمینه‌ای قرار دارد که لزوم فهم دقیق این ابعاد را برای سیاست‌گذاران روشن می‌سازد. بسیاری از پژوهش‌ها بر چالش‌های اقتصادی، کاهش فقر، و ارتقای آموزش و فرهنگ عمومی به عنوان زیرساخت‌های اصلی توسعه اجتماعی تأکید کرده‌اند که نبود آنها می‌تواند منجر به تضعیف پیوندهای اجتماعی و افزایش نابرابری‌ها شود. از سوی دیگر، مطالعات حوزه امنیت نیز برجسته کرده‌اند که امنیت پایدار در این منطقه تنها با تمرکز بر راه‌حل‌های نظامی حاصل نمی‌شود؛ بلکه ترکیبی از ارتقای مشارکت اجتماعی، اعتماد متقابل میان گروه‌های مختلف، و تقویت نهادهای محلی می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری‌ها و بحران‌های اجتماعی-امنیتی منجر شود. این بررسی‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های توسعه باید فراتر از معیارهای اقتصادی و امنیتی سنتی باشند و عناصر فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز در تحلیل‌های آینده مورد توجه قرار گیرند. جمع‌بندی نتایج این تحقیقات گویای آن است که توسعه پایدار در استان سیستان و بلوچستان نیازمند رویکردی سیستمی، چندبُعدی و مشارکتی است که همزمان به اصلاح ساختارهای اقتصادی و تقویت انسجام اجتماعی و امنیتی توجه داشته باشد. این نکته، اهمیت تلفیق زمینه‌های مختلف توسعه را در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای بیش از پیش برجسته می‌کند. امنیت و توسعه در جهان کنونی دو مقوله مهم و حیاتی برای دولت‌ها می‌باشند و به همین دلیل اندیشمندان به لحاظ نظری تلاش بسیاری جهت تبیین نسبت میان آنها داشته‌اند. با وجود اینکه تعاریف بسیاری از امنیت ارائه شده است، اما صاحب‌نظران این حوزه از ارائه تعریفی مشخص و مورد اجماع از آن بازمانده‌اند و اغلب با تبیین چشم‌اندازهای مختلف به تجزیه و تحلیل مفهومی و آزمون فرضیات و ساختن نظریات درباره آن پرداخته‌اند (بالدوین، ۲۰۱۷). بر این اساس با مروری بر مکاتب و نظریات امنیتی مشخص می‌شود که چه تعاریفی از امنیت وجود دارد. واقع‌گرایان، تجزیه و تحلیل امنیت را در سطح کلان و با در نظر داشتن دولت‌ها و مناسبات قدرت میان آن‌ها به عنوان مرجع امنیت مورد توجه قرار می‌دهند (یزدان‌فام، ۱۳۹۶؛ وندت، ۲۰۱۸).

بدین ترتیب بنابر ادبیات تحقیق مدل مفهومی اولیه ذیل قابل ارائه است:



شکل ۲. مدل مفهومی اولیه پژوهش (منبع محقق)

روش پژوهش

روش دلفی چند مرحله‌ای جهت شناسایی مولفه‌های توسعه‌ی اجتماعی - امنیتی استان سیستان و بلوچستان، استفاده شد. جامعه آماری شامل خبرگان (مدیران و متخصصان سازمان‌های دولتی، اساتید متخصص در حوزه امنیت، اساتید متخصص در حوزه مسائل اجتماعی) بوده که تعداد ۹ تا ۱۵ نفر از آنها برای نمونه انتخاب و تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از هر مصاحبه عمیق با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ادامه خواهد یافت و تا سطح اشباع نظری ادامه می‌یابد. در این بخش، نمونه‌گیری به صورت هدفمند انتخاب شده است. از طریق توزیع متوالی مصاحبه محقق ساخته و جمع‌آوری و بازنگری و اصلاح آن انجام گرفته است.

ضمن گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای: مربوط به مبانی نظری که با مطالعه کتاب‌ها، پایان نامه‌ها، مقالات داخلی و خارجی و پایگاه‌های اطلاعاتی، جهت گردآوری اطلاعات میدانی: مورد نیاز در بخش دلفی پرسشنامه نیمه ساختار

یافته تدوین شده که از حجم نمونه خواسته شد تا نسبت به پاسخگویی به سئوالات اقدام نمایند و اطلاعات اولیه در خصوص پژوهش گردآوری شد.

روایی و پایایی ابزار پژوهش: درگیری طولانی مدت و مشاهده مداوم: یکی از بهترین راه های ایجاد دقت، درگیری طولانی مدت با موضوع است. غوطه وری (درگیری طولانی مدت)، یکی از اعمال مهم پژوهشگر در فرآیند این تحقیق بوده است. به این شکل که پژوهشگر به طور کامل درگیر تحقیق می شود، با مشارکت کنندگان، ارتباط صحیح و مناسب برقرار می کند و پذیرای مفاهیم عمیقی است که در فرآیند مطالعه آشکار می شوند. اگر درگیری طولانی مدت، در عرصه تحقیق ایجاد شود، مشاهده مداوم عمیقی، فراهم می شود. این امر نیز علاوه بر افزایش دقت علمی، محقق را قادر ساخته تا در زمینه مطالعه، غوطه ور گردد.

بازبینی توسط همکار: روش دیگری که محقق برای افزایش دقت علمی در این تحقیق صورت داده است، بازبینی توسط همکار است. بازبینی توسط همکار، تعامل بین پژوهشگر و سایر افرادی است که در زمینه روش های تحقیق تجربه دارند. همکاران تحقیق، مشاوران مطالعه و زمینه راهنمایی برای طرح تحقیق، جمع آوری داده ها و تحلیل داده ها را فراهم می کنند.

این روش با هدف به چالش کشیده شدن مطالعه و سئوالات انتقادی، به طرق مختلفی مانند ارائه یا انتشار یافته های اولیه و یا یک بحث انتقادی انجام پذیرد. بدیهی است، پرسش سایر محققان و پاسخ به نظرات انتقادی آنها، به معنی به رسمیت شناخته شدن روش و یافته ها توسط محققان دیگر، می باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها: تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده، به روش دلفی و در سه مرحله پرسشنامه نیمه ساختاریافته که در نهایت نوافق نظری با تقویت دیدگاه های موافق و هم نظر انجام شد.

یافته های پژوهش

پس از جمع آوری داده های از طریق مصاحبه و پرسشنامه در سه مرحله، توافق نظری پاسخ ها و دیدگاه به دست آمد؛ نظرات مخالف حذف و نظرا موافق بحث و بررسی شدند. بدین ترتیب برای جمع آوری داده های بخش کیفی ۱۵ نفر از خبرگان، متخصصین و افراد آگاه در زمینه توسعه ای اجتماعی - امنیتی استان سیستان و بلوچستان در

تکنیک دلفی مشارکت کردند. نتایج جمع‌بندی مصاحبه و پاسخ‌های خبرگان و صاحب نظران، در جداول ذیل آمده است:

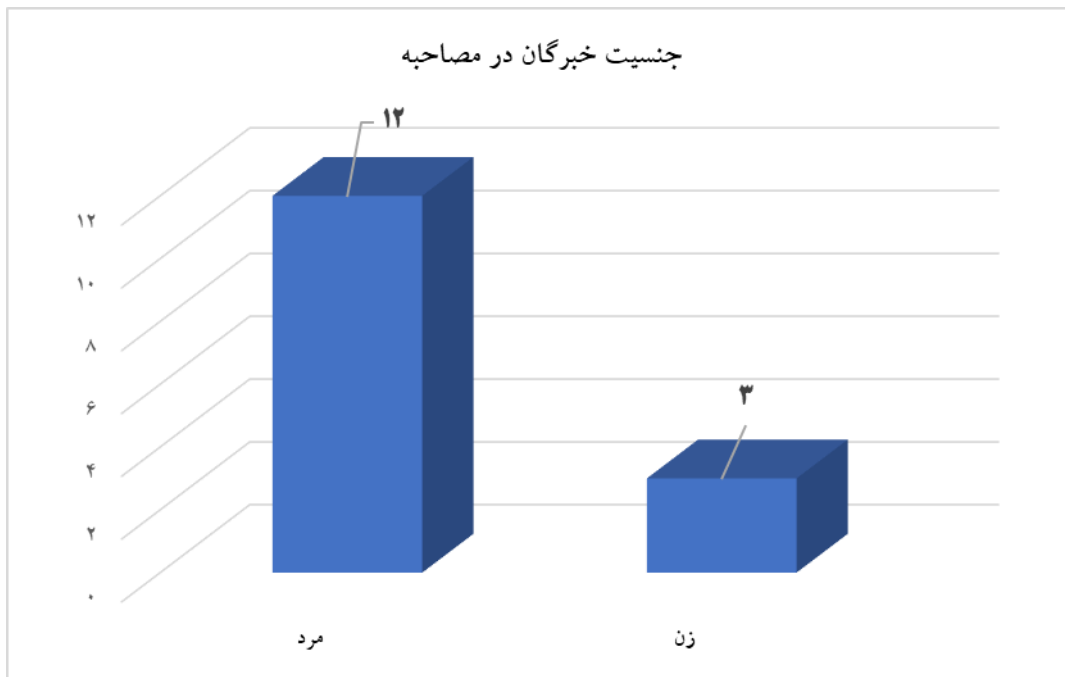
۱- مشخصات شرکت کنندگان در تحقیق (خبرگان)

-۴

جدول شماره (۱): جنسیت خبرگان

جنسیت	
مرد	زن
۱۲	۳

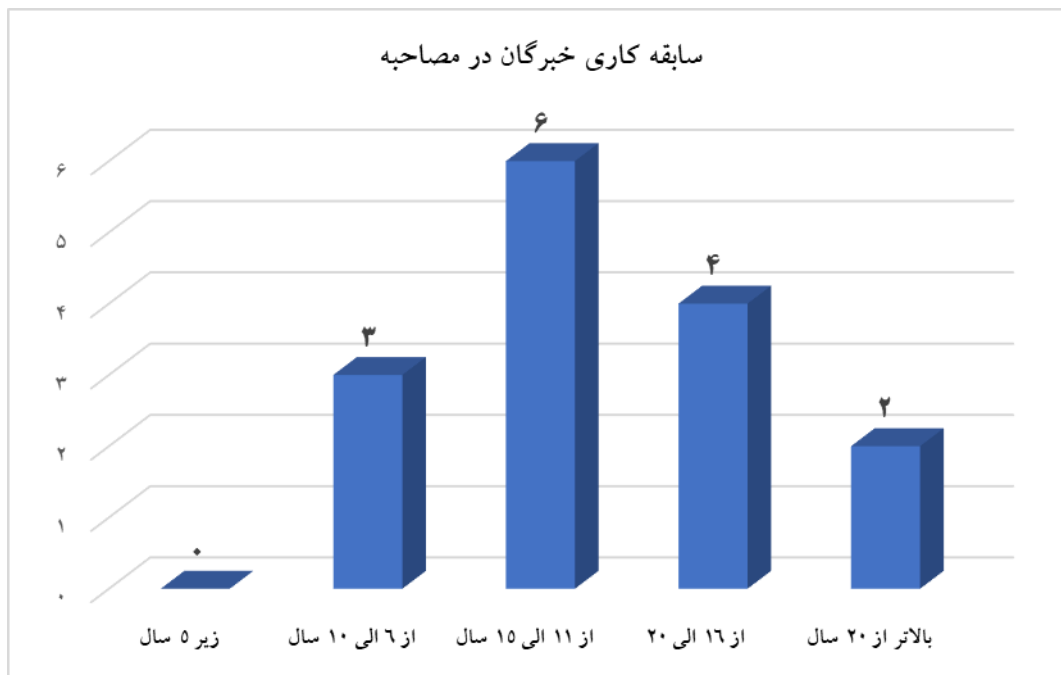
نمودار شماره (۱): جنسیت خبرگان



جدول شماره (۲): سابقه کاری خبرگان

سابقه کاری				
بالاتر از ۲۰ سال	از ۱۶ الی ۲۰	از ۱۱ الی ۱۵ سال	از ۶ الی ۱۰ سال	زیر ۵ سال
۲	۴	۶	۳	۰

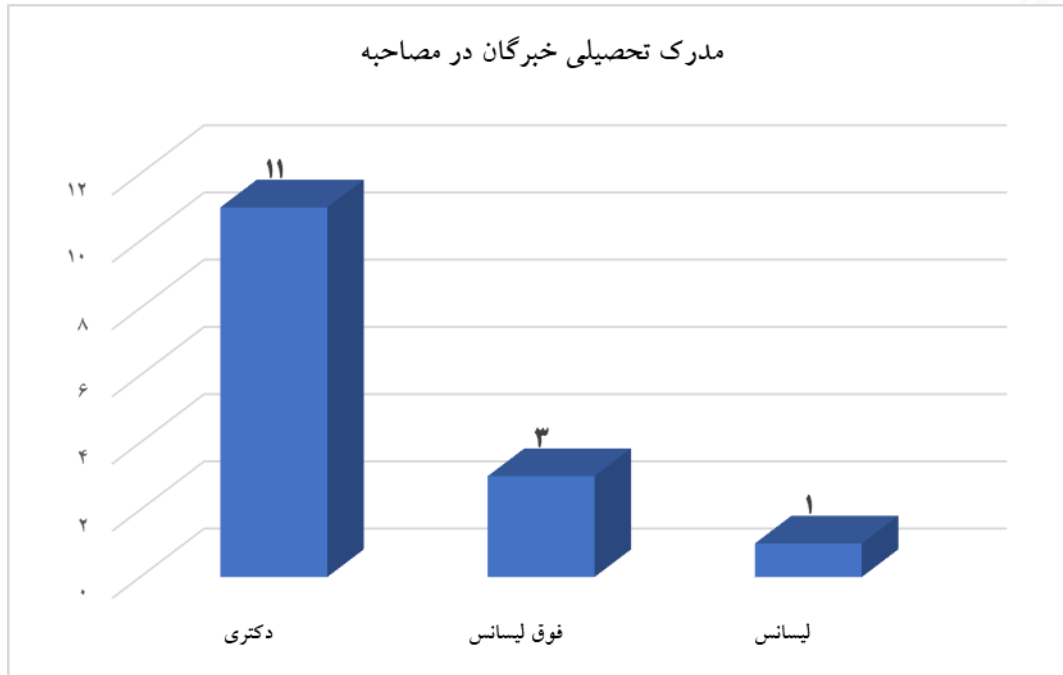
نمودار شماره (۲): سابقه کاری خبرگان



جدول شماره (۳): مدرک تحصیلی خبرگان

مدرک تحصیلی		
لیسانس	فوق لیسانس	دکتری
۱	۳	۱۱

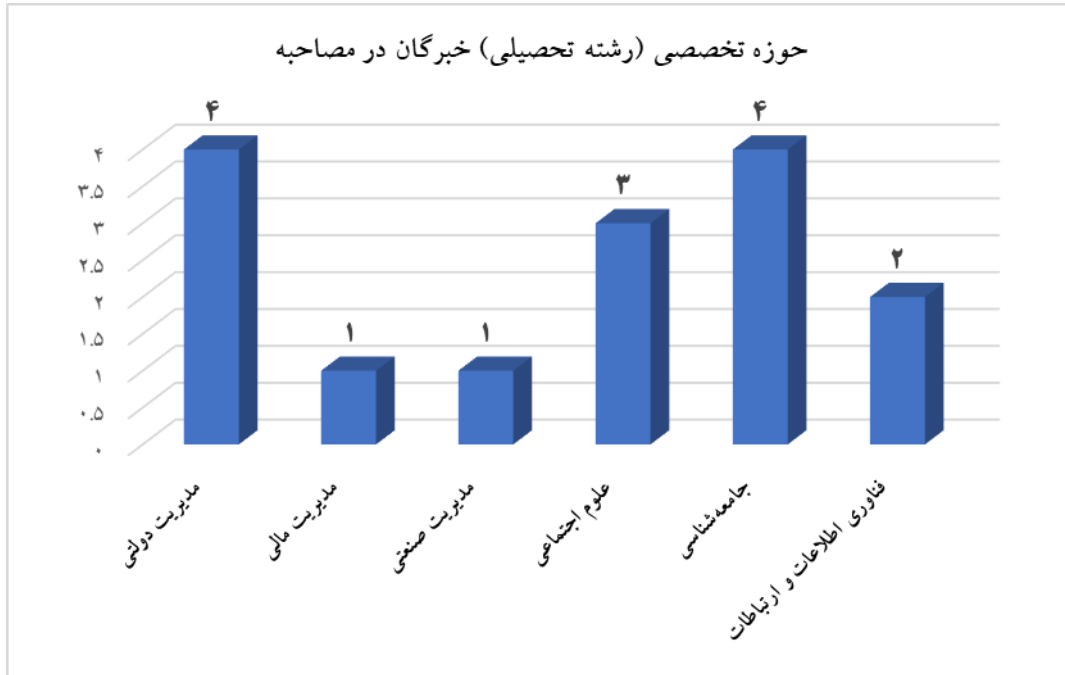
نمودار شماره (۳): مدرک تحصیلی خبرگان



جدول شماره (۴): رشته تحصیلی خبرگان

حوزه تخصصی (رشته تحصیلی)					
مدیریت دولتی	مدیریت مالی	مدیریت صنعتی	علوم اجتماعی	جامعه‌شناسی	فناوری اطلاعات و ارتباطات
۴	۱	۱	۳	۴	۲

نمودار شماره (۴): رشته تحصیلی خبرگان



۲- جمع‌بندی آماری نظرات خبرگان و صاحب‌نظران (شرکت کنندگان در تحقیق)

جدول شماره (۵): درجه تناسب نظران خبرگان درباره مولفه های «» مرحله اول

عنوان مولفه		امنیت اقتصادی	امنیت اجتماعی	امنیت نظامی	توسعه عدالت
تناسب مولفه	مناسب	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
	نامناسب	-	-	-	-
درجه اهمیت مولفه	۱۰	۶	۷	۴	۷
	۹	۵	۵	۴	۴
	۸	۲	۱	۲	۳
	۷	۱	۰	۱	۱
	۶	۰	۰	۲	۰
	۵	۱	۱	۱	۰
	۴	۰	۰	۰	۰
	۳	۰	۱	۰	۰
	۲	۰	۰	۰	۰
	۱	۰	۰	۱	۰

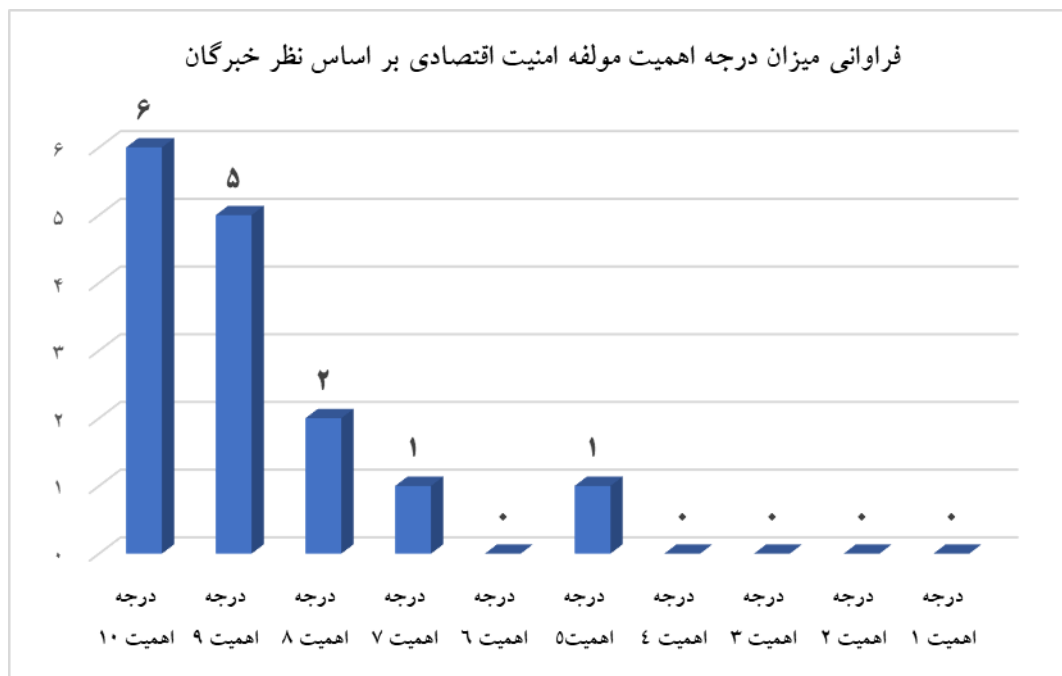
جدول شماره (۶): درجه تناسب نظران خبرگان درباره مولفه های «» مرحله اول

عنوان مولفه		توسعه سطح رفاه	توسعه اخلاق اجتماعی	توسعه امنیت سیاسی	توسعه زیرساخت‌های فرهنگی
تناسب مولفه	مناسب	۱۲	۱۵	۱۵	۴
	نامناسب	۳	-	-	۱۱
درجه اهمیت مولفه	۱۰	۱	۹	۱۱	۰
	۹	۵	۴	۳	۰
	۸	۳	۱	۰	۰
	۷	۲	۱	۰	۰
	۶	۳	۰	۰	۰
	۵	۱	۰	۰	۰
	۴	۰	۰	۰	۰
	۳	۰	۰	۰	۰
	۲	۰	۰	۰	۰
	۱	۰	۰	۰	۰

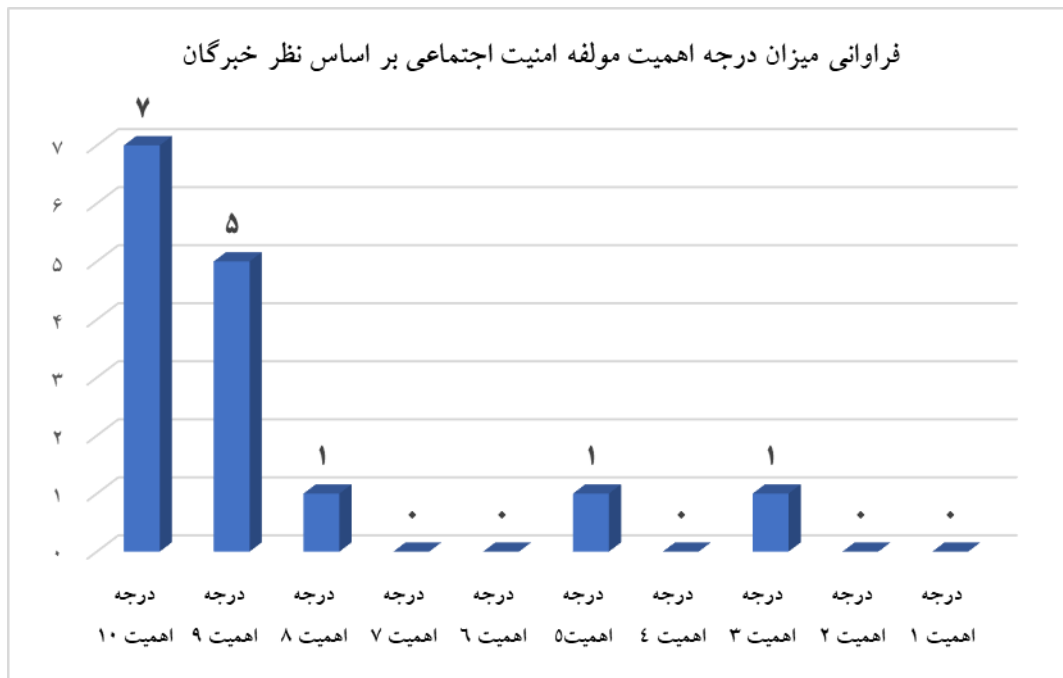
جدول شماره (۷): درجه تناسب نظران خبرگان درباره مولفه های «»: مرحله دوم

مؤلفه	پیشنهاد جدید	توضیحات
امنیت اقتصادی	-	بدون تغییر مورد تأیید قرار گرفت
امنیت اجتماعی	-	بدون تغییر مورد تأیید قرار گرفت
امنیت نظامی	-	بدون تغییر مورد تأیید قرار گرفت
توسعه عدالت	-	بدون تغییر مورد تأیید قرار گرفت
توسعه سطح رفاه	توسعه کیفیت زندگی	با توجه به پیشنهاد ۹ نفر از صاحب نظران و موافقت اساتید راهنما و مشاور، عنوان آن به پیشنهاد جدید تغییر یافت.
توسعه اخلاق اجتماعی	-	بدون تغییر مورد تأیید قرار گرفت
توسعه امنیت سیاسی	-	بدون تغییر مورد تأیید قرار گرفت
توسعه زیرساخت های فرهنگی	حذف	با توجه به نظر ۱۱ نفر از صاحب نظران و موافقت اساتید راهنما و مشاور از بین مؤلفه ها حذف گردید.

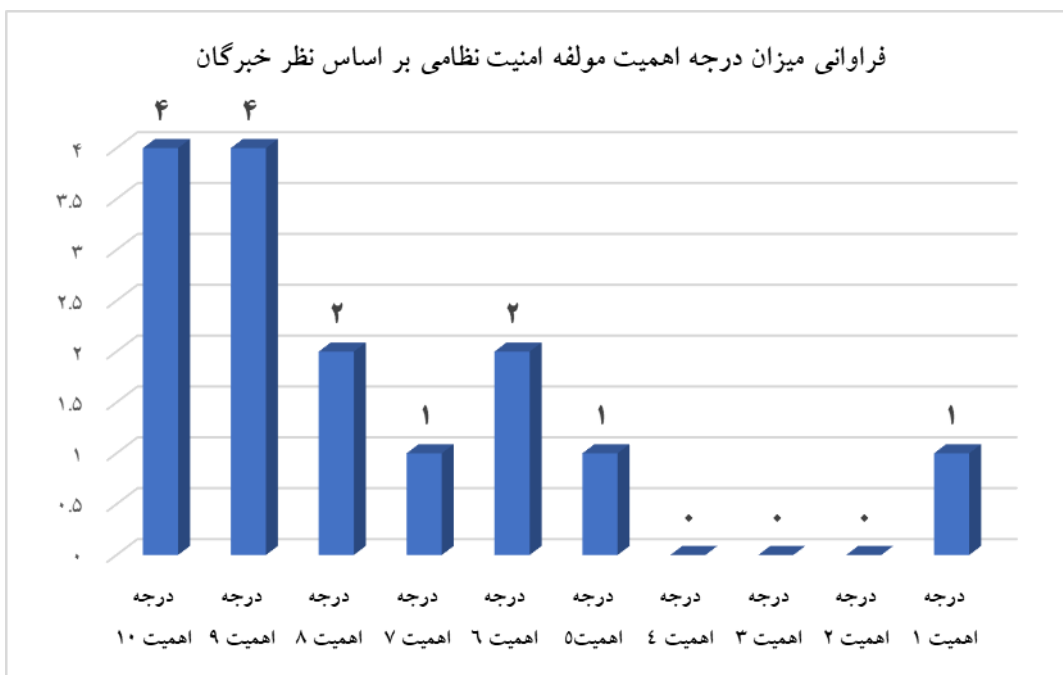
نمودار شماره (۵): درجه اهمیت مؤلفه امنیت اقتصادی از دیدگاه خبرگان



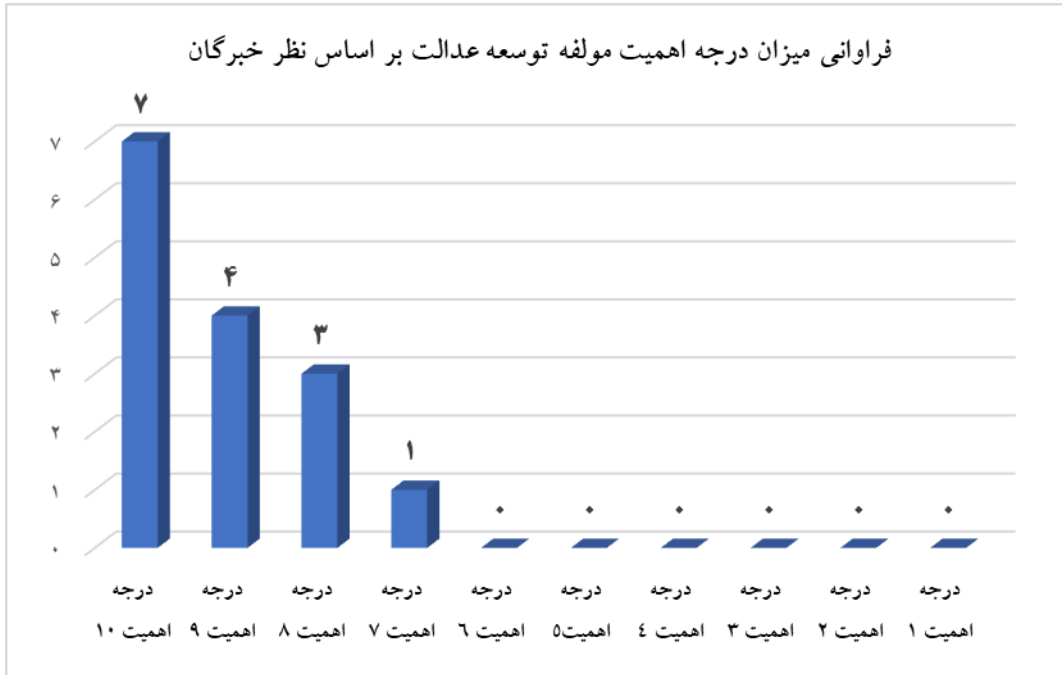
نمودار شماره (۶): درجه اهمیت مولفه امنیت اجتماعی از دیدگاه خبرگان



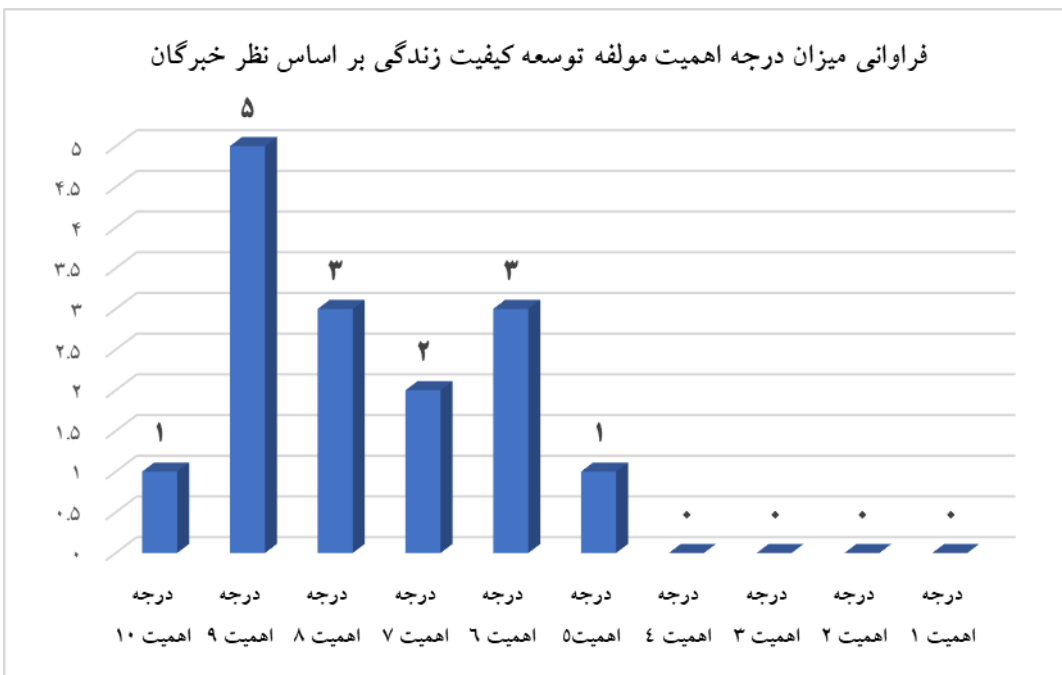
نمودار شماره (۷): درجه اهمیت مولفه امنیت نظامی از دیدگاه خبرگان



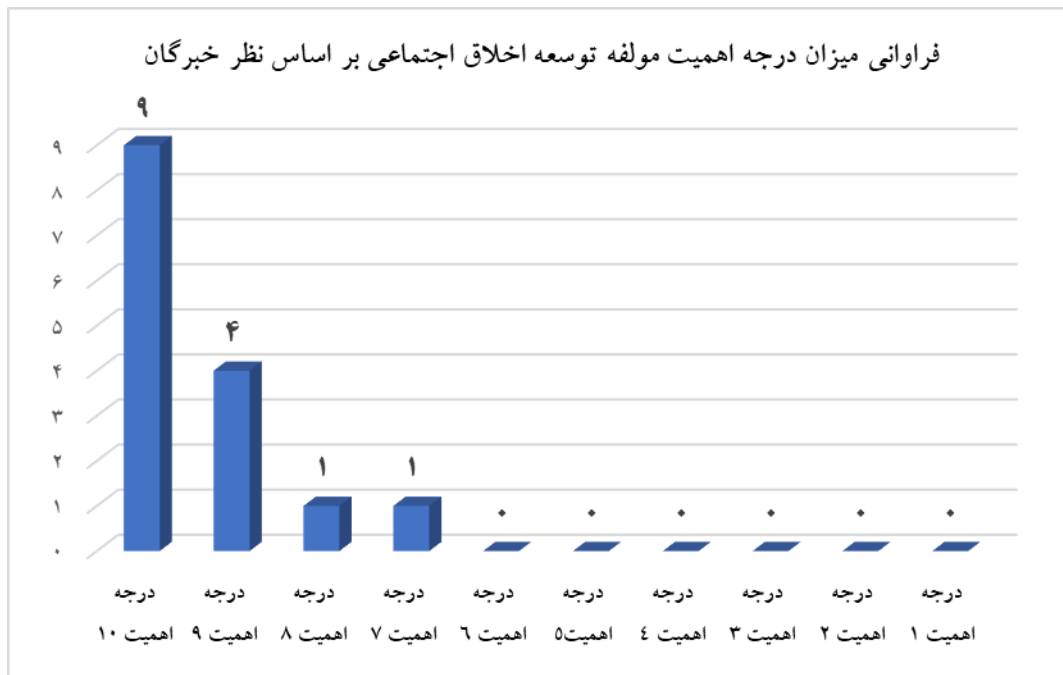
نمودار شماره (۸): درجه اهمیت مولفه توسعه عدالت از دیدگاه خبرگان



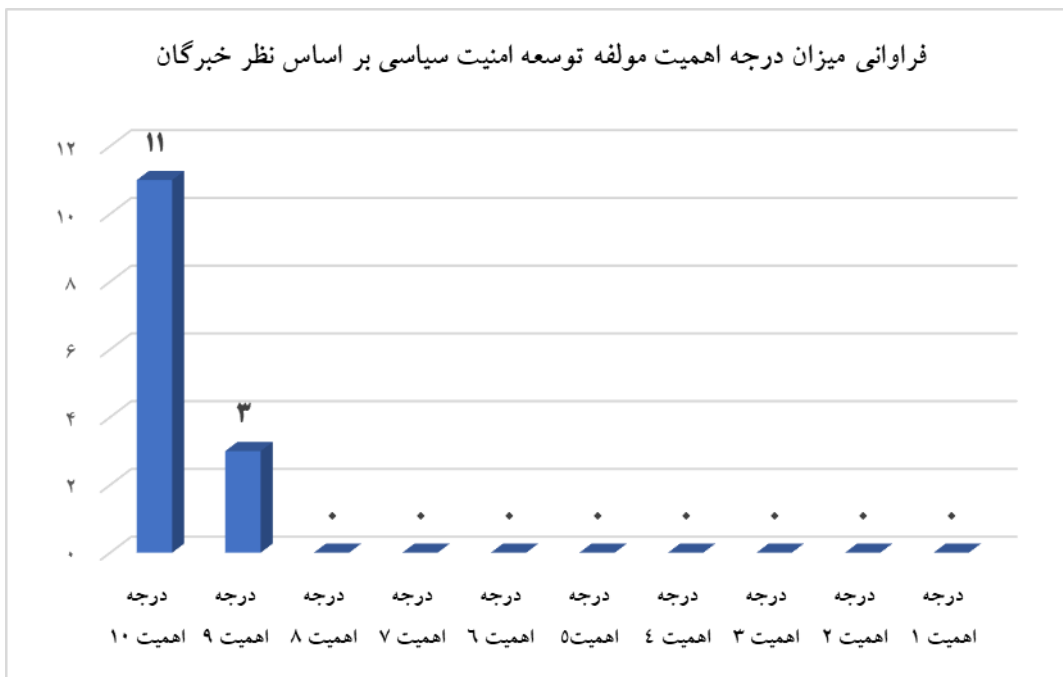
نمودار شماره (۹): درجه اهمیت مولفه توسعه کیفیت زندگی از دیدگاه خبرگان



نمودار شماره (۱۰): درجه اهمیت مولفه توسعه اخلاق اجتماعی از دیدگاه خبرگان



نمودار شماره (۱۱): درجه اهمیت مولفه توسعه امنیت سیاسی از دیدگاه خبرگان



جدول شماره (۸): درجه تناسب نظران خبرگان درباره مولفه های «»: مرحله سوم

توضیحات	پیشنهاد جدید	درجه اهمیت										تناسب		مولفه
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	نامناسب	مناسب	
-	-	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۲	۵	۶	-	۱۵	امنیت اقتصادی
-	-	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۵	۷	-	۱۵	امنیت اجتماعی
-	-	۱	۰	۰	۰	۱	۲	۱	۲	۴	۴	-	۱۵	امنیت نظامی
-	-	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۳	۴	۷	-	۱۵	توسعه عدالت
با توجه به پیشنهاد ۹ نفر از صاحب نظران و موافقت اساتید راهنما و مشاور	توسعه کیفیت زندگی	۰	۰	۰	۰	۱	۳	۲	۳	۵	۱	۳	۱۲	توسعه سطح رفاه
-	-	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۴	۹	-	۱۵	توسعه اخلاق اجتماعی
-	-	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳	۱۱	-	۱۵	توسعه امنیت سیاسی
با توجه به نظر ۱۱ نفر از صاحب نظران و موافقت اساتید راهنما و مشاور	حذف	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۱	۴	توسعه زیرساخت های فرهنگی

بدین ترتیب بر اساس نظر صاحب نظران و خبرگان شرکت کننده در ایت تحقیق، مولفه های: امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت نظامی، توسعه عدالت، توسعه کیفیت زندگی، توسعه اخلاق اجتماعی، و در نهایت توسعه امنیت سیاسی؛ به عنوان مولفه ها و شاخص های توسعه ای اجتماعی - امنیتی استان سیستان و بلوچستان، مشخص شد که از میان این مولفه ها از دیدگاه صاحب نظران پراهمیت ترین آن ها به ترتیب مربوط به اول: توسعه امنیت سیاسی، دوم: توسعه اخلاق اجتماعی، سوم: توسعه عدالت و امنیت اجتماعی می باشد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مولفه های توسعه ای اجتماعی - امنیتی استان سیستان و بلوچستان، با تاکید بر دیدگاه کارشناسان و صاحب نظران انجام گرفت. نتایج نشان داد که مولفه های امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت نظامی، توسعه عدالت، توسعه کیفیت زندگی، توسعه اخلاق اجتماعی و توسعه امنیت سیاسی به عنوان شاخص های اصلی توسعه اجتماعی - امنیتی این استان معرفی شدند. اهمیت نسبی این مولفه ها نیز از نگاه خبرگان به ترتیب به

توسعه امنیت سیاسی، توسعه اخلاق اجتماعی، توسعه عدالت و امنیت اجتماعی اختصاص یافت. این یافته ها در تطبیق با مطالعات پیشین که به نقش کلیدی امنیت سیاسی در پایداری و توسعه اجتماعی تاکید داشته اند، همراستا و تاییدکننده اهمیت بنیان های سیاسی و اجتماعی در فرآیندهای توسعه است. همچنین، تاکید بر توسعه اخلاق اجتماعی و عدالت اجتماعی، همسو با نظریه های جامعه شناسی توسعه بوده که ارتقاء سرمایه اجتماعی و اخلاق جمعی را از ارکان مهم امنیت و توسعه پایدار می دانند.

پیشنهادهای تحقیق

از نظر کاربردی، به منظور تقویت توسعه اجتماعی - امنیتی استان سیستان و بلوچستان پیشنهاد می شود:

- ۱- اتخاذ سیاست های کلان و برنامه ریزیهای جامع جهت ارتقاء امنیت سیاسی، با تمرکز بر تقویت نهادهای مدنی، افزایش مشارکت مردمی و تضمین شفافیت در مدیریتهای سیاسی.
 - ۲- سرمایه گذاری در آموزش و فرهنگسازی جهت ترویج ارزش های اخلاق اجتماعی و ایجاد همبستگی اجتماعی، که می تواند با کاهش تعارضات اجتماعی به امنیت اجتماعی کمک کند.
 - ۳- تقویت نظام های عدالت اجتماعی و رفع نابرابری ها، به ویژه در زمینه توزیع فرصت ها و منابع اقتصادی، تا زمینه های بروز نارضایتی کاهش یابد.
 - ۴- همکاری دستگاه های مختلف اجرایی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی در قالب برنامه های هماهنگ جهت تحقق مولفه های توسعه اجتماعی - امنیتی.
- در ادامه مسیر پژوهشی، تحقیقات آینده می توانند بر بررسی عمیق تر تاثیر هر یک از مولفه های شناسایی شده در حوزه های مختلف توسعه محلی متمرکز شوند، همچنین استفاده از روش های کمی با نمونه های گسترده تر برای سنجش میزان اهمیت نسبی هر مولفه و تاثیرات متقابل بین آنها توصیه می شود. علاوه بر این، مطالعه تجربیات سایر استان ها و کشورهای مشابه در زمینه توسعه اجتماعی - امنیتی می تواند به تدوین راهکارهای بومی سازی شده کمک نماید.

در مجموع، این پژوهش با شناسایی و اولویت بندی مولفه های کلیدی توسعه امنیتی و توسعه ای به عنوان پایه های اصلی شکوفایی استان سیستان و بلوچستان، زمینه های علمی و عملی ارزشمندی برای سیاست گذاران، مدیران و پژوهشگران فراهم کرده است و مسیر جدیدی برای تحقق توسعه پایدار و امنیتی این منطقه گشوده است.

منابع

آسایش، حسین و علیرضا استعلاجی، ۱۳۹۲، اصول و روش های برنامه ریزی ناحیه ای، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

آسایش، حسین، ۱۳۹۵، اصول و روش های برنامه ریزی روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور.

آسایش، حسین؛ (۱۳۹۹)، اصول و روشهای برنامه ریزی روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.

امامی، سیدمجید؛ (۱۳۹۹) دفاع غیرمسلح و توسعه اجتماعی، از مسائل سیاستی تا نظریه سیاستی؛ تحلیل انتقادی سند پایه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران؛ مجله: مطالعات امنیت اقتصادی پاییز ۱۳۹۹ - شماره ۱
36 صفحه - از ۲۹ تا ۶۴

بروس راست و هاروی استار، (۱۳۹۲) سیاست های جهانی، ترجمه سید امیریافت، تهران: انتشارات سیمای جوان، از روش تاکسونومی عددی و تحلیل خوشه ای، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره پنجم.
تودارو، مایکل، (۱۳۹۸) توسعه اقتصادی جهان سوم، غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
داداش پور، هاشم و همکاران، (۱۳۹۰) تحلیل فرایند توسعه یافتگی و نابرابری های فضایی در شهرستان های استان آذربایجان غربی، علوم اجتماعی، ۵۳، تابستان ۹۰، صص ۱۷۳-۱۸۳.

دولتخواه اجیرلو، قادر؛ ادهمی، عبدالرضا؛ میرساردو، طاهره؛ (۱۴۰۰) تبیین جامعه شناختی موانع توسعه با تاکید بر توسعه اجتماعی - فرهنگی مورد مطالعه: شهر بيله سوار؛ مجله: پژوهش های جامعه شناختی زمستان ۱۴۰۰، سال پانزدهم - شماره ۴ ISC 25 صفحه - از ۲۵ تا ۴۹

دهقانان، مجید؛ زارعی، بهادر؛ نجفی، محمد جواد (۱۴۰۰) تبیین فرصت ها و تنگناهای توسعه امنیت پایدار در نواحی مرزی (مطالعه موردی استان بوشهر)، مجله: مدیریت و پژوهش های دفاعی « تابستان ۱۴۰۰ - شماره ۹۲ رتبه علمی-ترویجی (32 صفحه - از ۳۳ تا ۶۴)

زیاری، کرامت الله، (۱۳۹۱) پارادایم، نظریه ها و مدل های برنامه و برنامه ریزی منطقه ای.

دانه کار افشین، یعقوب زاده مریم، لطفی خواه سعید، مشهدی رفیعی مجید، مافی غلامی داود (۱۴۰۲) نقشه سازی شروط توسعه در طبقات حفاظتی منطقه ساحلی استان سیستان و بلوچستان، نشریه: محیط زیست طبیعی، دوره: ۷۶، شماره: ویژه نامه، صص: ۳۱۹-۳۳۵.

قره باغیان، مرتضی، (۱۳۹۵)، اقتصاد رشد و توسعه، نشر نی، تهران.

صرافی (۱۳۹۷)، مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای. انتشارات سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی، چاپ اول، تهران.

عندلیب، علیرضا، (۱۳۹۰) نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران.

عنبری، موسی، طالب، مهدی، (۱۳۹۵) دلایل ناکامی نظام برنامه ریزی توسعه در ایران عصر پهلوی دوم، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷، بهار ۸۵، صص ۱۸۱-۲۰۴.

عظیمی، ناصر (۱۳۹۴) برنامه ریزی منطقه ای شهر و انباشت سرمایه، مشهد: نیکا.

کلاتری، خلیل (۱۳۹۸) برنامه ریزی و توسعه منطقه ای، چاپ سوم، تهران: خوشبین.

مصلی نژاد، غلامعباس (۱۳۹۴) دولت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران: قومس.

مصطفوی، زینب السادات؛ تیزهوش جلالی، فاطمه؛ نارنجی ثانی، فاطمه (۱۴۰۰) بررسی روابط متقابل مسئولیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی مورد مطالعه: اعضای هیئت علمی پردیس مرکزی دانشگاه تهران؛ مجله: تغییرات اجتماعی - فرهنگی بهار ۱۴۰۰، سال هجدهم - شماره ۶۸ رتبه علمی - پژوهشی ۲۷ صفحه - از ۱۷۵ تا ۲۰۱.

یاسوری، مجید، (۱۳۹۸)، بررسی وضعیت نابرابری منطقه ای در استان خراسان رضوی، جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۰۲-۲۱۶.

hall, peter, (2012), urban and regional planning, routledge.

Michael D, yaffe, "The Gulf and a New security system," Middle East policy, fall 2004. (p 17)

wheeler, james, (2016), economic geography, canada.